

بازخورد درآمد دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده در سیاست حذف

مالیات بر سود بنگاه‌ها

مانی مؤتمنی^۱

احمد جعفری صمیمی^۲

فروزان والهی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

چکیده

این پژوهش می‌کوشد تا اثر حذف مالیات بر سود بنگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهد. این امکان وجود دارد که با حذف مالیات بر سود بنگاه، درآمد مالیاتی دولت افزایش یابد. فرض تحقیق این است که با حذف مالیات بر سود، بنگاه انگیزه‌ای برای ایجاد دفتر مالی کاذب و فروش غیر رسمی نخواهد داشت. هدف اصلی بنگاه از ایجاد دفتر مالی کاذب، کاهش مالیات بر سود است. هرچند بار مالیاتی مربوط به مالیات بر ارزش افزوده بر عهده تولیدکنندگان نیست، اما کم‌اظهاری فروش می‌تواند موجب کاهش درآمد دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده گردد. به این ترتیب در صورتی که بنگاه تولیدی انگیزه‌ای برای پنهان کردن سهمی از فروش محصولات نداشته باشد، درآمد دولت می‌تواند افزایش یابد. در این پژوهش کوشش شده است تا درآمد مالیاتی دولت در این دو وضعیت مقایسه گردد. به این منظور طی فرایندی تصادفی با ۱۲ هزار حالت مختلف از ساختار بهای تمام شده بنگاه‌های تولیدی، درآمد مالیاتی دولت پس از حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی با درآمد کنونی دولت مقایسه شده است. نتیجه تجربی حاصل شده، نشان می‌دهد که با حذف مالیات بر سود، مجموع درآمد مالیاتی دولت از محل فعالیت بنگاه‌های تولیدی افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: درآمد مالیاتی، مالیات بر سود، مالیات بر ارزش افزوده، فرار مالیاتی.

Keywords: Tax revenue, Corporate tax, VAT, Tax evasion.

JEL Classification: H26, C15, L25.

m.motameni@umz.ac.ir

^۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

jafarisa@umz.ac.ir

^۲. استاد گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران

valehif@gmail.com

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران

۱- مقدمه

فرار مالیاتی از جمله متغیرهایی است که قابل اندازه‌گیری نیست. مقدار این متغیر بر اساس روابطی که بین سایر متغیرها وجود دارد برآورد می‌گردد. تخمین فرار مالیاتی بر مبنای فروضی انجام می‌شود که حاصل از الگوسازی رفتار مؤدی مالیاتی است. اما شیوه‌ی فرار مالیاتی در هر منطقه وابسته به نوع نظام مالیاتی و میزان حاکمیت قانون است. از این رو نحوه این اقدام در هر کشوری می‌تواند متفاوت باشد و نمی‌توان الگوی فرار مالیاتی در یک کشور پیشرفته را سرمشق مدل‌سازی برای سایر کشورها قرار داد (ریچاردسون^۱، ۲۰۰۶: ۱۵۰).

در ایران، ایجاد دفتر مالی کاذب با هدف فرار مالیاتی پدیده‌ای شناخته شده به‌شمار می‌آید. در دفتر کاذب، عموم هزینه‌های بنگاه ثبت می‌شود ولی بخشی از درآمد بنگاه منظور نمی‌گردد؛ به این ترتیب، سود بنگاه کاهش یافته و مالیات مرتبط با آن ناچیز می‌شود. این اقدام در صورتی قابل انجام است که بنگاه بتواند بخشی از محصولات خود را به‌صورت غیر رسمی (بدون فاکتور) به فروش برساند. هدف اصلی بنگاه از چنین اقدامی کاهش مالیات بر سود است اما در این فرآیند، درآمد دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده نیز کاهش می‌یابد. هرچند مالیات بر ارزش افزوده توسط مصرف‌کننده‌ی نهایی پرداخت می‌شود و بنگاه انگیزه‌ای در فرار از این نوع مالیات ندارد اما به دلیل پنهان نمودن بخشی از فروش محصولات، مبلغ مالیات پرداختی در حوزه ارزش افزوده را نیز کاهش می‌دهد.

چنانچه مبلغ مربوط به مالیات بر سود دریافتی کمتر از مالیات بر ارزش افزوده‌ای باشد که در فرآیند فوق از میان می‌رود، حذف مالیات بر سود بنگاه‌ها می‌تواند موجب افزایش درآمد مالیاتی دولت شود. اگر مالیاتی برای سود بنگاه وجود نداشته باشد، انگیزه‌ای برای ایجاد دفتر کاذب هم وجود نخواهد داشت و در نتیجه تمامی محصولات به‌صورت رسمی (با فاکتور) به فروش خواهند رسید. در این حالت کل ظرفیت مالیات بر ارزش افزوده جذب خواهد شد.

از این رو، انجام پژوهشی ضرورت می‌یابد که در آن میزان درآمد مالیاتی دولت پس از حذف مالیات بر سود مورد بررسی قرار گیرد. اما به دلیل وجود دفاتر مالی کاذب، امکان راست‌آزمایی اطلاعات مربوط به فروش و سود گزارش شده بنگاه‌ها وجود ندارد. در نتیجه بر اساس مشاهدات آماری شاید نتوان برآورد قابل اعتمادی ارائه داد. در این پژوهش، برای غلبه بر چالش فوق، دو

^۱. Richardson (2006)

راه کار در نظر گرفته شده است. نخست این که در الگوی پژوهش تمامی مقادیر به صورت «نسبتی از فروش» ارائه شده‌اند. در این حالت، متغیرهای مالیاتی مربوط به بنگاه‌های مختلف با هر سطح درآمدی، همسان خواهد شد. راه کار دوم، استفاده از فرآیند تصادفی برای ساختار بهای تمام شده بنگاه‌ها است به این نحو که به جای استفاده از یک مقدار ثابت برای میانگین سود بنگاه‌ها، ۱۲ هزار حالت مختلف برای این متغیر در نظر گرفته شده است.

هدف اصلی این پژوهش مقایسه‌ای بین دو حالت «الف: مجموع درآمد دولت از محل مالیات بر سود و مالیات بر ارزش افزوده در شرایطی که فرار مالیاتی وجود دارد» و «ب: درآمد دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده در حالتی که نرخ مالیات بر سود صفر است» می‌باشد. فرضیه تحقیق این است که میزان مالیات دریافتی در وضعیت (ب) بیشتر از (الف) است. در ادامه‌ی این پژوهش کوشش شده است تا فرار مالیاتی الگوسازی شود و در فرآیندی تصادفی مقایسه‌ای بین وضعیت (الف) و (ب) صورت گیرد. در پایان، نتیجه‌ی آزمون فرضیه تحقیق به همراه پیشنهادات سیاستی گزارش شده است.

۲- مرور ادبیات

در بین مطالعاتی که رابطه نرخ مالیات و فرار مالیاتی را مورد بررسی قرار داده‌اند، این نتیجه تا حدودی عمومیت دارد که بین این دو متغیر رابطه مستقیمی برقرار است. از جمله این مطالعات می‌توان به فیگه و سبولاً^۱ (۲۰۱۰)، جوانکف و همکاران^۲ (۲۰۱۰) و سانز^۳ (۲۰۱۶) اشاره نمود. فیگه و سبولاً (۲۰۱۰) به بررسی فرار مالیاتی طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۶۰، در کشور آمریکا با در نظر گرفتن درآمد مشمول مالیات افراد ساکن آمریکا پرداختند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان داد که فرار مالیاتی تابعی صعودی از نرخ مالیات، نرخ بیکاری، نارضایتی عمومی از دولت و درآمد سرانه افراد است. همچنین جوانکف و همکاران (۲۰۱۰) با بررسی نرخ‌های مالیات بر سود شرکت‌ها در ۸۵ کشور، به این نتیجه رسیدند که بین مالیات بر سود شرکت و سرمایه‌گذاری، رابطه‌ی معکوس برقرار است. نرخ‌های بالای مالیات بر شرکت‌ها، باعث کاهش سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری در تولید)، به خصوص سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد و مانعی در جهت تولید و کارآفرینی است و

^۱. Feige and Cebula (2010)

^۲. Djankov (2010)

^۳. Sanz (2016)

در نتیجه از دریافت نرخ‌های بالای مالیاتی می‌بایست خودداری شود. سائز (۲۰۱۶) رابطه‌ی بین درآمدهای مالیاتی و نرخ نهایی مالیات بر درآمد افراد را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش کشش درآمد مالیاتی به نرخ مالیات به وسیله منحنی لافر بیان شده است. او معتقد است که سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران تصور می‌نمایند که تغییر نرخ بر رفتار مالیات‌دهندگان بی‌تأثیر است در حالی که یک رابطه درونی بین درآمدهای مالیاتی و نرخ مالیات وجود دارد.

در مطالعه لواجی و منونسین^۱ (۲۰۱۶) نرخ فرار مالیاتی به صورت پویا مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها مالیات‌دهنده‌ای را در نظر می‌گیرند که باید انتخابی بین یک سرمایه‌گذاری با مالیات صفر که سود اندکی دارد و سرمایه‌گذاری دیگری که مالیات دارد ولی سود آن بیشتر است انجام دهد. این روش، یک نوع بهینه‌یابی سبد سرمایه‌گذاری بین دو انتخاب «ریسکی - سودآور» و «بدون ریسک - کم سود» است. یافته‌ی این مطالعه نشان می‌دهد که در انگلستان و اتحادیه اروپا، کاهش نرخ مالیات می‌تواند نرخ فرار مالیاتی را به شکل معناداری کاهش دهد در حالی که این موضوع در مورد کشور ایتالیا صادق نیست.

گروه دیگری از مطالعات به نقش نهادها، قوانین مالیاتی، سرمایه اجتماعی و رشوه متمرکز شده‌اند. برای نمونه فوتچمن و همکاران^۲ (۲۰۱۶) معتقدند که بین نرخ‌های مالیاتی و فرار مالیاتی ممکن است رابطه معناداری وجود نداشته باشد. چنین رابطه‌ای می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. طبق تحقیقات ایشان سطح فرار مالیاتی با مشارکت مالیات‌دهندگان در فرآیند تصمیم‌گیری و یا درک سیستم مالیاتی کاهش می‌یابد. همین‌طور اگر افراد مشاهده کنند که دیگران در پرداخت مالیات صادق‌اند، سعی می‌کنند مشارکت بیشتری با قوانین داشته باشند. در مطالعه دیگری، آلم و همکاران^۳ (۲۰۱۶) با استفاده از روش متغیرهای ابزاری و روش‌های تطبیق، فساد مالیاتی را عامل فرار مالیاتی مطرح کردند و بیان می‌کنند که برای کاهش فرار مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، می‌باید بر روی رشوه‌خواری مأموران مالیاتی متمرکز شد. لیتینا و همکاران^۴ (۲۰۱۶) نیز به اثر فساد بر فرار مالیاتی تأکید دارند. فساد و فرار مالیاتی اغلب همبستگی بالایی دارند. تغییرات سیاسی بازدارنده و تغییر در جریمه‌ها می‌تواند نرخ فرار مالیاتی و اختلاس را کاهش دهد.

^۱. Levaggi and Menoncin (2016)

^۲. Fochmann (2016)

^۳. Alm (2016)

^۴. Litina (2016)

آنتلو^۱ (۲۰۱۶) با مدل‌سازی فرار مالیاتی نشان می‌دهد که اگر مالیات بر سود طی دو دوره‌ی شش ماهه در یک سال انجام شود، فرار مالیاتی کاهش خواهد یافت. شرکت‌ها دارای اطلاعات خصوصی هستند و دولت با برآورد احتمالی دوره‌ی قبل از سود شرکت، می‌تواند در دوره دوم میزان سود را بهتر ارزیابی نماید و از این طریق فرار مالیاتی کاهش می‌یابد.

در مطالعه گوماگیاس و همکاران^۲ (۲۰۱۸) رفتار فرارکنندگان از مالیات - با روش Q-Learning که از زیرمجموعه روش‌های پیشرفته داده‌کاوی است - بر اساس شرایط گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مبنای این الگو رفتار مالیات‌دهندگانی است که به دنبال بیشینه کردن منافع شخصی هستند و سعی می‌کنند تا با فرار مالیاتی مطلوبیت خود را حداکثر سازند. ویژگی روش پردازش داده‌های این پژوهش آن است که می‌تواند بسیاری از قیود نظیر شیوه ممیزی مالیاتی را به شکل تصادفی در نظر گرفته و نحوه مدل‌سازی تصمیم فرد را به دنیای واقعی نزدیک‌تر سازد. آن‌ها در پژوهش خود، روش بهینه فرار مالیاتی در یونان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در پاکستان با افزایش نرخ مالیات، شرکت‌های کم‌درآمد فروش غیر رسمی خود را افزایش دادند و در نهایت به دلیل افزایش فرار مالیاتی، درآمد مالیاتی دولت کاهش یافته است. این یافته در مطالعه واسیم^۳ (۲۰۱۸) بر اساس اطلاعات مالیاتی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ به دست آمده است. در این مطالعه، به نقش بخش‌های غیر رسمی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه توجه شده است. او معتقد است که بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه به بخش غیر رسمی تعلق دارد. وجود این بخش به دو شکل بر عملکرد مالیاتی اثر خواهد داشت. نخست این که پایه مالیاتی دولت محدود به بنگاه‌های خاصی می‌گردد که به صورت رسمی اقدام به فاکتور نمودن محصولاتشان می‌نمایند. دوم این که، دولت همواره سعی می‌نماید تا نرخ مالیات را پایین نگه دارد زیرا بیم دارد که با افزایش نرخ مالیات، همین بخش اندک از مالیات‌دهندگان بخش رسمی را نیز از دست بدهد. واسیم (۲۰۱۸) در مرور ادبیات خود نشان می‌دهد که عموم مطالعات انجام شده در زمینه رابطه نرخ مالیات و پایه مالیاتی به کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته تعلق دارد و مطالعات اندکی این موضوع را در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار داده‌اند. او معتقد است ناکارآمدی نظام مالیاتی در چنین کشورهایی موجب شکل‌گیری انواع مختلفی از فرار مالیاتی می‌شود که در کشورهای پیشرفته ناممکن به نظر می‌رسد. وی ضمن برشمردن انواع

1. Antelo (2016)

2. Goumagias (2018)

3. Waseem (2018)

ساختارهای شرکتی در پاکستان، تفاوت ساز و کار مالیاتی در آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. یافته پژوهش در نهایت حاکی از آن است که با افزایش نرخ مالیات بر سود، بنگاه‌ها متمایل به نوعی از ساختار شرکتی خواهند شد که امکان فرار مالیاتی در آن بیش از پیش فراهم می‌گردد. یافته‌ی دیگر این پژوهش آن است که افزایش نرخ مالیات بر سود، می‌تواند بر درآمد مالیاتی دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده اثر منفی بگذارد. در همین رابطه آساتریان و پیچل^۱ (۲۰۱۷) معتقدند که کسب و کارهای کوچک در کشور ارمنستان انگیزه کافی برای ثبت نام در سیستم مالیات بر ارزش افزوده ندارند. این در حالی است که با عدم ثبت نام، بنگاه ناچار خواهد بود تا بخشی از مالیات بر ارزش افزوده مواد خریداری شده را از محل درآمد خود بپردازد.

در برخی از مطالعات داخلی به تقابل مالیات بر ارزش افزوده و نظام مالیات مستقیم اشاره شده است. در این راستا پژوهیان و درویشی (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که نظام مالیاتی ایران دارای اشکالاتی است که یکی از آن‌ها فشار بیش از اندازه مالیاتی بر بعضی از پایه‌های مالیاتی به علت معافیت‌ها و عدم دریافت از پایه‌های دیگر است. عمده درآمد مالیاتی دولت از محل مالیات بر سود شرکت، دستمزد و حقوق است که این فشار مالیاتی، فرار مالیاتی و از بین رفتن انگیزه تولید را در پی دارد که در نهایت به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌انجامد. اقدامی که در این زمینه دولت می‌تواند انجام دهد، افزایش مالیات بر مصرف و هزینه است که می‌تواند به شکل مالیات بر فروش و مالیات بر ارزش افزوده باشد. در مطالعه دیگری امیدپور و پژوهیان (۱۳۹۶) ضمن بررسی اثر منفی نرخ ۲۵ درصدی مالیات بر سود شرکت‌ها، نرخ بالای مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کسری بودجه دولت معرفی می‌نماید. آن‌ها نشان می‌دهند که مالیات بر سود شرکت‌ها تأثیری در سطح تولید ندارد اما درآمد بنگاه را کاهش داده و بازده خالص از این طریق کاهش می‌یابد. در نهایت موجب از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

سعیدی و نهتانی (۱۳۸۸) با «بررسی و مقایسه جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر شرکت‌ها در شرکت‌های غیر تولیدی»، با استفاده از آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون^۲ به این نتایج دست یافتند که جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده با نرخ‌های ۳ درصد، باعث کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ اما جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده با نرخ‌های ۷ و ۱۰ درصد، به

^۱. Asatryan and Peichl (2017)

^۲. Wilcoxon

جای مالیات بر سود بنگاه‌ها، موجب می‌شود تا درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد. دادگر و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهند که فاصله قابل توجهی بین ظرفیت مالیاتی دولت و درآمد تحقق یافته یک دولت بهینه در ایران وجود دارد. فیل‌سرای و مجردی (۱۳۹۶) با استفاده از روش توصیفی و گردآوری اطلاعات به شیوه پیمایشی، عوامل نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی و محدودیت‌های تجاری، سرمایه اجتماعی و تورم را عامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌دانند. افزایش بار مالیاتی منجر به اختلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت، تأثیر منفی بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد. در نهایت با بزرگ‌تر نمودن اقتصاد زیرزمینی منابع را به سمت فعالیت‌های غیر تولیدی سوق می‌دهد. جنبه‌های دیگر عملکرد مالیاتی دولت نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. برای نمونه سلمانی بی‌شک و همکاران (۱۳۹۳) رابطه علی کوتاه‌مدت بین درآمدهای مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۵ را مورد بررسی قرار داده‌اند. وجود نظام مالیاتی کارآمد منجر به افزایش درآمد مالیاتی نسبت به تولید ناخالص داخلی و کاهش اقتصاد پنهان خواهد شد. میزان مالیات وصولی بستگی به امنیت اجتماعی دارد. مهم‌ترین پیش‌شرط امنیت اقتصادی که فعالان اقتصادی انتظار دارند، وجود قوانین جامع در کشور است تا بتوانند در محیط امن اقتصادی به سرمایه‌گذاری مبادرت ورزند، بنابراین سیاست‌گذاران باید توجه خود را به عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی در کشور معطوف دارند تا از طریق آن درآمدهای مالیاتی در کشور افزایش یابد. خادم‌علیزاده (۱۳۹۵) با استفاده از روش تحلیلی-فقهی، فرار مالیاتی را ناشی از ناسازگاری نظام مالیاتی با اقتصاد مقاومتی می‌داند. شفافیت در تمام بخش‌های اقتصادی از جمله نظام مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش فشار بر پایه‌های مالیاتی موجود می‌گردد که به نوبه خود باعث تقویت تولید و افزایش آستانه اقتصاد مقاومتی می‌شود. در مطالعه شمس‌الدینی و شهرکی (۱۳۹۵) کشش درآمدهای مالیاتی دولت ایران مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها نشان دادند که کشش مالیات بر سود شرکت‌ها نسبت به پایه‌اش کوچکتر از یک می‌باشد. این نتیجه با تحلیل داده‌های سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۹۱ به دست آمده است. از سوی دیگر در پژوهش غفاری و همکاران (۱۳۹۶) نرخ بهینه مالیات با استفاده از سری زمانی داده‌های اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۳ و بهره‌گیری از الگوی رشد درون‌زا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ی این مطالعه میانگین ۲۰ درصدی را به عنوان نرخ بهینه انواع ابزارهای مالیاتی دولت معرفی می‌نماید.

پناهی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که حکمرانی خوب تنها در کشورهای توسعه یافته اثر مثبت و معناداری بر درآمدهای مالیاتی دارد و این شاخص در کشورهای در حال توسعه موجب افت درآمدهای مالیاتی می‌گردد. مطلبی و همکاران (۱۳۹۷) ناعادلانه بودن سیستم مالیاتی را عامل اصلی عدم تبعیت مالیاتی معرفی می‌نمایند. آن‌ها نشان می‌دهند که روحیه مالیاتی و بار مالیات بر واردات از علل اصلی پیدایش اقتصاد سایه می‌باشد.

در مطالعه رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داده شده است که در صورت وجود تورم بالا، نرخ مالیات مستقیم اثر منفی و معناداری بر تولید دارد به نحوی که با افزایش یک درصدی مالیات، ۰/۴۴ درصد افت تولید رخ خواهد داد. البته این یافته را می‌توان به صورت عکس نیز تفسیر نمود که کاهش نرخ مالیات مستقیم ممکن است موجب افزایش تولید در محیط‌های با تورم بالا شود. طبق مرور ادبیات انجام شده، عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، تبعات وجود فرار مالیاتی و رابطه نرخ مالیات با متغیرهای کلان اقتصادی موضوعات اصلی مورد بررسی در مطالعات مرتبط با اقتصاد ایران است. تمایز پژوهش حاضر با مطالعات قبلی در این است که فرار مالیاتی را از منظر ساختار بهای تمام شده بنگاه مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین در این پژوهش فرض می‌شود که در صورتی که فروش غیر رسمی و فرار مالیاتی سودآور باشد؛ به طور حتم فرار مالیاتی رخ خواهد داد و ساختار ممیزی مالیاتی و متغیرهای سیاسی-اجتماعی در حال حاضر امکان تغییر این انگیزه را ندارند. در پژوهش حاضر سناریوی حذف یکی از ابزارهای مالیاتی و ثابت بودن نرخ سایر مالیات‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- الگوی پژوهش

هدف اصلی الگوی پژوهش مقایسه دو سناریوی درآمد مالیاتی دولت از محل فعالیت بنگاه‌ها است. در سناریوی نخست، دولت دو ابزار مالیاتی را اعمال می‌نماید. ابزار نخست، اخذ مالیات β درصدی از سود خالص بنگاه است و ابزار دوم دریافت مالیات بر ارزش افزوده α درصدی از فروش محصولات است که البته بار این مالیات در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. سناریوی دوم حالتی است که مالیات بر سود خالص بنگاه حذف شود. در این سناریو فرض می‌شود که بنگاه دیگر انگیزه‌ای برای فرار مالیاتی و ایجاد فروش غیر رسمی ندارد و از این رو ممکن است درآمد مالیاتی دولت از محل مالیات بر ارزش افزوده افزایش یابد.

در برخی مطالعات برای بررسی چنین موضوعی میزان فرار مالیاتی برآورد می‌شود. از بین این

مطالعات می‌توان به (بسلی و پرسن^۱، ۲۰۱۴: ۹۹) اشاره نمود. اما در گروه دیگری از مطالعات مانند (گوماگیاس و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۵۸) نرخ فرار مالیاتی به عنوان یک متغیر تصادفی در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش از روش دوم استفاده شده است. همچنین مانند مطالعه (آستریان و همکاران، ۲۰۱۷) نظام ممیزی مالیاتی ناکارآمد در نظر گرفته می‌شود به نحوی که بنگاه می‌تواند با توجه به شرایط موجود، فروش غیر رسمی داشته باشد و صورت‌های مالی کاذب ارائه نماید. در کشورهای در حال توسعه، بنا به دلایلی که (واسیم، ۲۰۱۸: ۷۲) اشاره نموده است، دولت از ایجاد فشار مالیاتی به بنگاه‌ها و موشکافی صورت‌های مالی رسمی پرهیز می‌نماید.

در الگوی این تحقیق، فروش شرکت i با S_i نشان داده می‌شود. M_i هزینه مواد اولیه، W_i هزینه حقوق و دستمزد و سربار پرداختی است^۲. π_i سود خالص شرکت قبل از وضع مالیات و a ارزش افزوده واقعی (در صورت مالی واقعی شرکت) می‌باشد. نحوه‌ی محاسبه سود خالص و ارزش افزوده شرکت در معادلات (۱) و (۲) نشان داده شده است. مالیات بر سود خالص شرکت وضع می‌شود اما برای سادگی فرض شده است که نرخ بهره و استهلاک در هزینه مواد اولیه و سربار مستتر هستند.

$$S_i = M_i + W_i + \pi_i \quad (1)$$

$$a = W_i + \pi_i \quad (2)$$

با توجه به اینکه اظهار هزینه‌های واقعی انجام شده موجب کاهش مالیات بر سود می‌شود، فرض شده است که بنگاه کلیه‌ی مقادیر M و W را به درستی اظهار می‌نماید. در این صورت، بنگاه کلیه مقادیر مالیات بر ارزش افزوده پرداختی را بستانکار خواهد شد. در مورد صناعی که دارای پیچیدگی تولید و تنوع مواد اولیه هستند امکان تناظر یک‌به‌یک بین مواد اولیه و فروش وجود ندارد. به همین دلیل ممیزین مالیاتی نمی‌توانند به سادگی مصرف مواد اولیه، موجودی انبار و تولید محصول را مترادف سازند. از این رو عدم اظهار یا فاکتور نکردن بخشی از فروش نمی‌تواند اشکال واضحی را در صورت مالی کاذب ایجاد نماید. به این ترتیب شرکت α درصد از فروش خود را اظهار نخواهد کرد و در صورت مالی کاذب مقدار فروش به شکل معادله (۳) محاسبه خواهد شد:

^۱. Besely and Prsson

^۲. هزینه دستمزد مستقیم، سربار و حقوق دارای سرفصل‌های جداگانه‌ای می‌باشند ولی در این تحقیق فرض شده است که این سه هزینه به درستی اظهار می‌شوند و هر سه در متغیر W جمع شده‌اند.

$$S'_i = (1 - x_i)\delta_i \quad (۳)$$

$$(1 - x_i)S_i = M_i + W_i + \pi'_i \quad (۴)$$

با توجه به اینکه مقدار M_i و W_i صحیح اظهار شده‌اند، سود شرکت در صورت مالی دوم به شکل π'_i در خواهد آمد که در معادله (۴) نشان داده شده است. چنانچه معادله (۱) و (۴) بر فروش واقعی تقسیم شود، معادلات (۵) و (۶) به دست خواهد آمد:

$$\frac{S_i}{S_i} = \frac{M_i}{S_i} + \frac{W_i}{S_i} + \frac{\pi_i}{S_i} \Rightarrow 1 = m_i + \omega_i + f_i \quad (۵)$$

در معادله بالا m_i برابر است با نسبت مواد اولیه به فروش، ω_i برابر است با نسبت دستمزد و حقوق و سربار به فروش واقعی و f_i برابر است با نسبت سود خالص به فروش واقعی.

$$\frac{(1-x_i)S_i}{S} = \frac{M_i}{S} + \frac{W_i}{S} + \frac{\pi'_i}{S} \Rightarrow (1 - x_i) = m_i + \omega_i + f'_i \quad (۶)$$

میزان سود در صورت فرار مالیاتی با f'_i نشان داده شده است. چون شرکت نمی‌خواهد خود را زیان‌ده نشان دهد، مقدار این متغیر همواره بزرگتر از صفر خواهد بود اما تمایل دارد میزان آن را کاهش دهد تا از این طریق مالیات کمتری بپردازد. البته کوچکتر از صفر بودن این متغیر اثری در نتیجه الگو نخواهد داشت چون شرکت‌های زیان‌ده از پرداخت مالیات بر سود معاف می‌شوند. نکته حائز اهمیت این است که محدوده‌ی f'_i مقید به x_i است. با توجه به این قید که اخذ مالیات بر سود منوط به سودآوری شرکت است، محدوده x_i به شکل $0 \leq x_i \leq f_i$ تعیین خواهد شد. یعنی با توجه به محدوده‌ای که برای f'_i در نظر گرفته شده است، مقدار x_i همواره بین صفر و f_i خواهد بود.

اگر نرخ مالیات بر ارزش افزوده α و نرخ مالیات بر سود بنگاه β باشد، مالیات دریافتی در شرایطی که فرار مالیاتی وجود دارد برابر با θ خواهد شد. درآمد مالیاتی در سناریوی دوم که در آن β حذف شده است برابر با φ می‌شود:

$$\theta = \alpha(m_i + \omega_i) + \alpha(f'_i) + \beta(f_i) \quad (۷)$$

$$\theta = \alpha(m_i + \omega_i) + (\alpha + \beta)f'_i \Rightarrow \alpha(m_i + \omega_i) + (\alpha + \beta)(1 - x_i - m_i - \omega_i) \quad (۸)$$

$$\Rightarrow \alpha(m_i + \omega_i) + (\alpha + \beta)(1 - x_i) - (\alpha + \beta)(m_i + \omega_i) \quad (۹)$$

$$\Rightarrow \alpha(m_i + \omega_i) + \alpha(1 - x_i) + \beta(1 - x_i) - \alpha(m_i + \omega_i) - \beta(m_i + \omega_i) \quad (۱۰)$$

$$\Rightarrow (\alpha + \beta)(1 - x_i) - \beta(m_i + \omega_i) \quad (۱۱)$$

حال اگر مالیات بر سود بنگاه حذف شود، انگیزه عدم اظهار بخشی از فروش صفر می‌گردد که در این صورت مالیات دریافتی معادل (φ) خواهد شد.

$$\varphi = \alpha(m_i + \omega_i + f_i) + \beta(f_i) \quad (۱۲)$$

$$\text{if } \beta = 0 \Rightarrow \varphi = \alpha(m_i + \omega_i + f_i) \quad (۱۳)$$

هدف این پژوهش مقایسه بین دو مقدار θ و φ است. بنابراین در معادله (۱۴) اختلاف این دو عبارت محاسبه شده است:

$$\theta - \varphi = (\alpha + \beta)(1 - x_i) - \beta(m_i + \omega_i) - \alpha(m_i + \omega_i + f_i) \quad (۱۴)$$

$$\Rightarrow \alpha(1 - x_i) + \beta(1 - x_i) - \beta(m_i + \omega_i) - \alpha(m_i + \omega_i) \quad (۱۵)$$

$$\Rightarrow \alpha(1 - x_i - m_i - \omega_i - f_i) + \beta(1 - x_i - m_i - \omega_i) \quad (۱۶)$$

با در نظر گرفتن قید $1 - x_i - m_i - \omega_i = f'_i$ معادلات (۱۷) تا (۲۰) حاصل خواهد شد:

$$\alpha(f'_i - f_i) + \beta(f'_i) \quad (۱۷)$$

$$f'_i - f_i = -x_i \Rightarrow f'_i = f_i - x_i \quad (۱۸)$$

$$\Rightarrow -\alpha x_i - \beta x_i + \beta f_i \quad (۱۹)$$

$$\Rightarrow \varphi - \theta = (\alpha + \beta)x_i - \beta f_i \quad (۲۰)$$

در نهایت با فروض و قیود اعمال شده در این الگو، اختلاف بین دو شیوه مالیات‌ستانی به شکل معادله (۲۰) در خواهد آمد. اگر مقدار این عبارت منفی باشد، حذف مالیات بر سود موجب کاهش درآمد دولت خواهد شد و در صورتی که حاصل معادله (۲۰) مثبت باشد، حذف مالیات بر سود بنگاه‌ها به افزایش درآمد مالیاتی دولت منجر خواهد شد. نحوه برآورد تجربی عبارت $\varphi - \theta$ در بخش بعد توضیح داده شده است.

۴- برآورد تجربی الگوی تحقیق

هدف اصلی در این بخش از پژوهش، برآورد عبارت $\varphi - \theta$ است که در معادله (۲۰) بسط یافته

است. به این منظور مقادیر چهار متغیر می‌باید مشخص شود. مقدار دو متغیر α و β را می‌توان بر اساس قوانین مالیاتی کشور به شکل عدد ثابت در الگو وارد نمود. مقدار α برابر با ۹ درصد و مقدار β برابر با ۲۵ درصد در نظر گرفته می‌شود. اما اطلاعاتی از مقادیر x_i و f_i وجود ندارد. طبق تصریح انجام شده در الگوی تحقیق، متغیر x_i نسبت به f_i مقید است. اما اندازه‌ی f_i نیز نامعلوم است. این متغیر نرخ سود بنگاه را نشان می‌دهد. از یک سو در صورت وجود فرار مالیاتی، مقدار گزارش شده‌ی این متغیر بی‌اعتبار است و از سوی دیگر اندازه متغیر در بنگاه‌های مختلف متفاوت است. راهکار پژوهش در تعیین f_i استفاده از فرآیندی تصادفی است به این نحو که متغیر ۱۲ هزار حالت مختلف را اختیار نماید تا در نهایت بر اساس آزمون فرضیه علامت $\theta - \varphi$ تعیین شود. جهت بهبود دقت استنتاج آماری، پارامترهای مربوط به شکل تقریبی توزیع f_i برای شبیه‌سازی تعیین شده است.

با مراجعه به اطلاعات منتشر شده در سایت کدال^۱، میانگین سود خالص شرکت‌های تولیدی عضو بورس و فرابورس تهران، حدود ۸ درصد است. انحراف معیار این متغیر نیز حدود ۹ درصد می‌باشد. با قید شرط بالا، یعنی حذف شرکت‌های زیان‌ده از نمونه، میانگین سود شرکت‌ها در نمونه مورد بررسی ۱۸ درصد با انحراف معیار ۱۵ درصد می‌باشد. دلیل حذف این شرکت‌ها آن است که شرکتی که دارای زیان خالص باشد در عمل هیچ انگیزه‌ای برای فرار مالیاتی نخواهد داشت. در انتخاب شرکت‌ها تنها صناعی انتخاب شده‌اند که مواد اولیه را به محصول تبدیل می‌نمایند. یعنی شرکت‌های بانکی، بیمه یا سرمایه‌گذاری در نمونه قرار ندارند. در بین توزیع‌های مختلف، توزیع پرت^۲ با مقدار آماره ۰/۰۶ کمینه آماره کلمگروف اسمیرنوف^۳ را به دست آورده است و بنابراین نزدیک‌ترین توزیع برای تصریح متغیر f_i است.

جدول ۱: نسبت سود شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران سال ۱۳۹۷

۷۰	تعداد داده‌ها
۰/۱۸۲۶	میانگین
۰/۰۲۳۵	واریانس داده‌ها
۰/۱۵۳۱	انحراف معیار داده‌ها
۰/۸۴۳۸	ضریب تغییرات

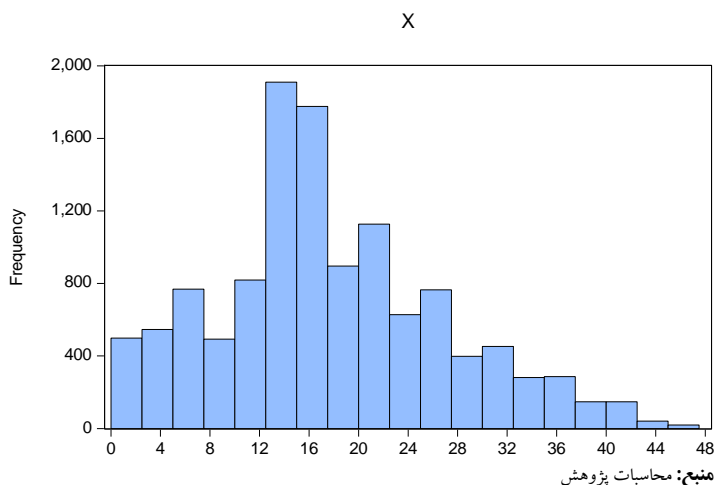
منبع: کدال

^۱. www.codal.ir

^۲. Pert

^۳. Kolmogorov Smirnov

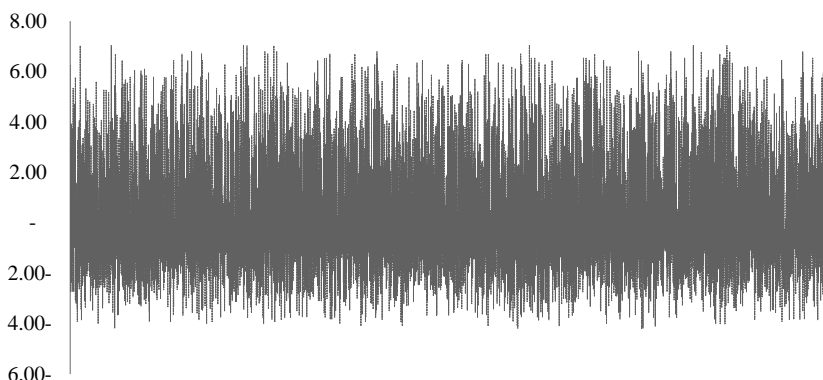
پس از تولید ۱۲ هزار متغیر f_i به وسیله چگالی توزیع پرت، متغیر x_i نیز محاسبه شده است. همان‌طور که در الگوی تحقیق اشاره شده بود، این متغیر نمی‌تواند از f_i بزرگتر باشد چرا که در صورت مالی کاذب، بنگاه زیان‌ده می‌گردد. اگر این متغیر برابر با صفر باشد، فرار مالیاتی بنگاه صفر است و اگر برابر با f_i باشد، فرار مالیاتی بنگاه کامل است. مقدار این متغیر بر مبنای اعداد تصادفی مونت-کارلو^۱ تعیین شده است. توزیع فراوانی x در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱: توزیع نسبت پنهان‌سازی فروش محصولات بنگاه‌های تولیدی

با در اختیار داشتن هر چهار متغیر موجود در معادله (۲۰) می‌توان اختلاف بین دو سناریو مالیاتی θ و φ را محاسبه نمود. با توجه به دفعات زیادی که عبارت تکرار شده است (۱۲۰۰۰ مرتبه) توزیع عبارت $\varphi - \theta$ طبق قضیه حد مرکزی نرمال در نظر گرفته می‌شود. بنابراین از آماره تی-استودنت برای آزمون فرضیه تحقیق استفاده می‌شود. فرضیه صفر تحقیق منفی نبودن $\varphi - \theta$ است که بر مبنای آن حذف مالیات بر سود بنگاه‌ها موجب افزایش درآمد مالیاتی دولت می‌گردد. مقدار آماره‌ی آزمون $4/21 -$ می‌باشد و بنابراین در سطح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد، فرض صفر که بزرگتر یا مساوی بودن عبارت است، رد می‌گردد. بنابراین برآورد تجربی الگوی تحقیق حاکی از آن است که حذف مالیات بر سود بنگاه‌ها (سناریوی دوم مالیاتی) موجب افزایش درآمد مالیاتی دولت خواهد شد.

^۱. Monte-Carlo



نمودار ۲: نتیجه شبیه‌سازی معادله (۲۰)

منبع: محاسبات پژوهش

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای سیاست‌گذاری

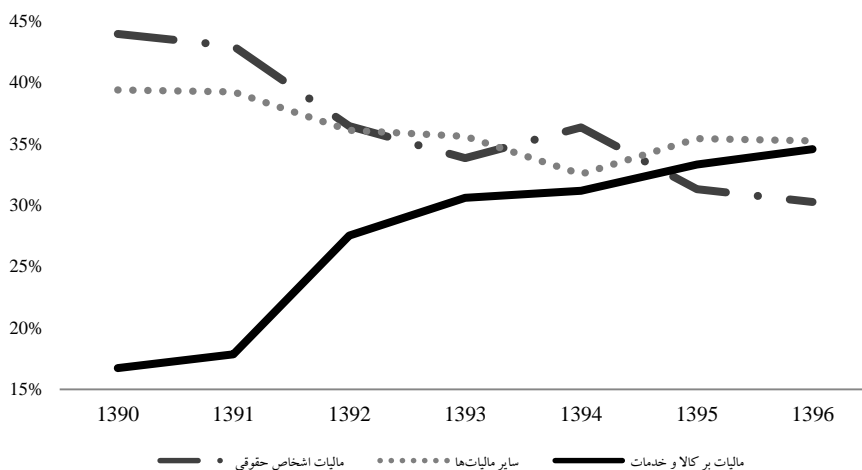
مطابق با بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی^۱، درآمد مالیاتی دولت در سال ۱۳۹۶ حدود ۱۱۶ هزار میلیارد تومان بوده است. همان‌طور که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود، سهم مالیات بر کالا و خدمات روندی صعودی دارد و اندازه آن در سال ۱۳۹۶ نزدیک به ۳۵ درصد بوده است. مجموع مالیات مربوط به اشخاص حقوقی که سهم آن روندی نزولی دارد، در سال ۱۳۹۶ حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان بوده است و سهمی ۳۰ درصدی از مجموع درآمد مالیاتی دولت داشته است. این در حالی است که طبق اعلام معاون سازمان امور مالیاتی کشور، برآورد رسمی از فرار مالیاتی سال ۱۳۹۶ بین ۳۵ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان است^۲ که از کل مالیات اشخاص حقوقی بیشتر است.

منشأ اصلی شکل‌گیری فرار مالیاتی وجود درآمد غیر رسمی است که توسط اشخاص حقوقی ایجاد می‌شود. این در حالی است که بخش قابل توجهی از اشخاص حقوقی در اساس امکان فرار مالیاتی ندارند. برای نمونه بانک‌ها، مؤسسات بیمه‌ای و دفاتر اسناد رسمی نمی‌توانند درآمد خود را پنهان نمایند. اما بنگاه‌هایی که فرآیند تولید پیچیده دارند، بر مبنای روشی که در الگوی این پژوهش تصریح شده است قادر خواهند بود تا بخشی از درآمد خود را مخفی سازند و به این طریق مالیات بر سود کمتری پردازند. در این فرآیند بخشی از کالاها و خدمات تولید شده به شکل غیر

^۱. www.cbi.ir

^۲. خبرگزاری ایسنا، ۳۱ تیر ۱۳۹۷، کد خبر ۹۷۰۴۲۱۱۴۸۷

رسمی وارد بازار می‌شود و دولت قادر نخواهد بود تا به صورت کامل مالیات مربوط به آن را دریافت نماید. اگر بنگاه تولیدی تمامی محصولات خود را «فاکتور» نماید، فروشگاه‌ها و سایر زنجیره‌های توزیع هم قادر می‌شوند تا بخشی از درآمد خود را پنهان کنند و مالیات بر سود کمتری بپردازند. بنابراین، امکان فروش غیر رسمی توسط بنگاه‌های تولیدی رشته‌ای طولانی از فرار مالیاتی را در کشور پدید می‌آورد که شاید ممیزی و برخورد با آن در حال حاضر امکان‌پذیر نباشد.



نمودار ۳: سهم انواع درآمدهای مالیاتی دولت در ایران

منبع: بانک مرکزی

بنابراین بنگاه‌های تولیدی به عنوان بخشی از اشخاص حقوقی، به منظور فرار از مالیات مستقیم، رشته‌ای طولانی از فرار مالیاتی را در بخش‌های دیگر مهیا می‌سازند که هر دو بخش مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم را در بر می‌گیرد. این امکان وجود دارد که با حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی و از بین رفتن انگیزه ایجاد فروش غیر رسمی، مجموع درآمد مالیاتی دولت افزایش یابد. چرا که دولت خواهد توانست از محل مالیات بر کالا و خدمات درآمد بیشتری کسب نماید.

فرضیه‌ی پژوهش این است که با حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی، مجموع درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد. برای بررسی این مسئله الگویی طراحی شده است که در آن می‌توان تغییر درآمد مالیاتی دولت پس از حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی را با شرایط کنونی مقایسه نمود. به منظور آزمون فرضیه از فرآیند تصادفی و ایجاد ۱۲ هزار مشاهده استفاده شد. نتیجه‌ی آزمون حاکی از افزایش درآمد مالیاتی دولت پس از حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی است. به مانند دیگر الگوها، نتایج به دست آمده با فرض ثابت بودن سایر شرایط حاصل شده است.

و پیش‌فرض آن عدم انگیزه بنگاه تولیدی برای فرار از مالیات بر ارزش افزوده است چرا که بار این مالیات بر عهده مصرف‌کننده نهایی است. یعنی اگر بنگاه تولیدی نسبت به پرداخت مالیات بر سود نگران نباشد؛ انگیزه‌ای برای ایجاد صورت مالی کاذب و درآمد غیر رسمی نخواهد داشت. به این ترتیب، دولت می‌تواند از مالیات بر ارزش افزوده تمامی کالاهای تولید شده برخوردار شود. حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی که پیشنهاد اصلی این تحقیق است موجب شکل‌گیری صورت‌های مالی واقعی در بنگاه‌ها می‌گردد. این امر به نوبه خود موجب اصلاح و واقعی‌سازی داده‌های اقتصادی کشور می‌شود. در حال حاضر اطلاعات موجود از بنگاه‌های خصوصی یا فعالین بخش توزیع در بازار تا حدود زیادی تخمینی و شاید کاذب باشد. از این رو برخی از سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی در زمینه تقاضای پول، تقاضای ارز، اشتغال یا درآمد فعالین اقتصادی با تورش زیادی همراه است. حذف مالیات بر سود بنگاه‌های تولیدی علاوه بر افزودن به درآمد مالیاتی دولت موجب شفافیت اطلاعات در اقتصاد نیز خواهد شد. مزیت دیگر اتخاذ چنین سیاستی، افزایش تولید و اشتغال در کشور است. بر مبنای یافته‌های سایر پژوهشگران که در بخش (۲) به آن اشاره شد؛ کاهش نرخ مالیات مستقیم به افزایش سرمایه‌گذاری و رشد تولید کمک می‌نماید.

منابع و ماخذ

۱. امیدپور، رضا. و پژویان، جمشید (۱۳۹۶). "فرار مالیاتی بر پایه درآمد اشخاص حقوقی در ایران". فصلنامه اقتصاد مالی ۱۱(۳۹): ۲۷-۵۶.
۲. پژویان، جمشید. و درویشی، باقر (۱۳۸۹). "اصلاح ساختاری در نظام مالیاتی ایران". فصلنامه پژوهشنامه مالیات ۱۸(۸): ۴۸-۹.
۳. پناهی، حسین. فلاحی، فیروز. و مردم‌دار، سجاد (۱۳۹۶). "مقایسه اثر حکمرانی خوب در درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته". فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی ۵(۱۴): ۸۱-۹۹.
۴. دادگر، یداله. نظری، روح‌اله. و صیامی‌عراقی، ابراهیم (۱۳۹۲). "دولت و مالیات بهینه در اقتصاد بخش عمومی و کارکرد دولت و مالیات در ایران". مطالعات اقتصادی کاربردی ایران ۲(۵): ۲۷-۱.
۵. خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۵). "نظام مالیاتی سازگار با اقتصاد مقاومتی در ایران". فصلنامه پژوهشنامه مالیات ۲۴(۳۲): ۱۷۶-۱۴۵.
۶. رحمانی، تیمور. مهرآرا، محسن. و مهاجرانی‌راد، یوسف (۱۳۹۷). "واکاوی تاثیر مالیات‌های مستقیم بر تغییرات تولید در محیط‌های تورمی گوناگون". پژوهشنامه اقتصاد کلان ۱۳(۲۵): ۱۰۵-۹۳.
۷. سعیدی، پرویز. و نهتانی، حسین علی (۱۳۸۸). "بررسی و مقایسه جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده بجای مالیات بر شرکت‌های غیر تولیدی". فصلنامه پژوهشنامه مالیات ۱۷(۵): ۱۳۵-۱۱۵.
۸. سلمانی بی‌شک، محمدرضا. شاه‌وردی دولت‌آباد، امیر. و باستان، فرانک (۱۳۹۳). "بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران: رهیافت متقابل علیت در داده‌های سری زمانی". فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ۲(۷): ۹۰-۷۳.
۹. شمس‌الدینی، مصطفی. و شهرکی، جواد (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان درآمدهای مالیاتی در ایران". سیاست‌گذاری اقتصادی ۸(۱۵): ۱۱۶-۷۷.
۱۰. غفاری، هادی. پورکاظمی، محمد حسن. خداداد کاشی، فرهاد. و یونسی، علی (۱۳۹۶). "تعیین مقادیر بهینه ابزارهای سیاست مالی با استفاده از رهیافت تئوری کنترل بهینه پویا". سیاست‌گذاری اقتصادی ۹(۱۱۷): ۸۱-۱۱۸.
۱۱. فیل‌سرای، مهدی. و مجردی، سحر (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر عدالت اجتماعی از دیدگاه کارکنان اداره‌ی کل امور مالیاتی استان خراسان شمالی". مجله علمی تخصصی مدیریت، اقتصاد و حسابداری ۱(۲۳): ۲۰-۱.

۱۲. مطلبی، معصومه. علیزاده، محمد. و فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۹۷). "برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری". مطالعات اقتصادی کاربردی ایران ۷(۲۷): ۱۶۷-۱۴۱.
13. Alm, J. Martinez, J. and Mcclan, V. (2016). "Corruption and Firm Tax Evasion" . Journal of Economic Behavior and Organization **124**: 146-163.
 14. Antelo, M. (2016). "Corporate Taxes with Unobservable Profits". Cuadernos de Economia **110**: 65-126.
 15. Asatryan, Z. and Peichl, A. (2017). "Responses of Firms to Tax, Administrative and Accounting Rules: Evidence from Armenia". CESifo Working Paper Series No.6754, CESifo Group Munich.
 16. Besley, T. and Prsson, T. (2014). "Why do Developing Countries Tax So Little?" . The Journal of Economic Perspectives **28**: 99-120.
 17. Djankov, S. Ganser, T. Mcliesh, C. Lamalho, R. and Shleifert, T. (2010). "The Effect of Corporate Taxes on Investment and Entrepreneurship". American Economic Journal: Macroeconomics **2**(3): 31-64.
 18. Feige, E. and Cebula, R. (2012). "America's Underground Economy: Measuring the Size, Growth and Determinants of Income Tax Evasion in the US". Crime, Law and Social Change **57**: 265-285.
 19. Fochmann, M. and Kroll, E. (2016). "The Effects of Rewards on Tax Compliance Decisions". Journal of Economic Psychology **52**: 38-55.
 20. Gokalp, O. Lee, S. and Peng, M. (2016). "Competition and Corporate Tax Evasion: An Institution-based View". Journal of World Business **52**: 258-269.
 21. Goumagias, N. Varsakelis, D. and Assael, Y. (2018). "Using Deep Q-Learning to Understand the Tax Evasion Behavior of Risk Averse Firms". Expert System with Applications **101**: 258-270.
 22. Levaggi, R. and Menoncin, F. (2016). "Optimal Dynamic Tax Evasion: a Portfolio Approach". Journal of Economic and Behavior **124**: 115-129.
 23. Litina, A. and Palivos, T. (2016). "Corruption, Tax Evasion and Social Values". Journal of Economic Behavior & Organization **124**: 164-177.
 24. Richardson, G. (2006). "Determinants of Tax Evasion: A Cross Country Investigation". Journal of International Accounting, Auditing and Taxation **15**: 150-169.
 25. Sanz-Sanz, J. (2016). "The Laffer Curve in Scheduler Multi-rate Income Taxes with Non-genuine Allow: An Application to Spain". Economic Modeling **55**: 42-56.
 26. Waseem, M. (2018). "Taxes, Informality and Income Shifting: Evidence from a Recent Pakistan Tax Reform". Journal of Public Economics **157**: 41-77.

27. www.cbi.ir
28. www.codal.ir

Government VAT revenue feedback to corporate tax elimination

Mani Motameni¹
Ahmad Jafari Samimi^{2*}
Froozan Valehi³

Received: 07-12-2018

Accepted: 03-01-2019

Abstract

This study seeks to investigate the effect of corporate tax elimination on the government income. The assumption of the research is that, by eliminating the corporate tax, firms will not have the incentive to create informal sales. The main goal of companies may be creating a false financial statement to reduce taxes on profits. However, the VAT burden is not on those firms; they unwittingly pay less money to the government with low sales announcement. So, government revenues may increase if firms do not have the incentive to conceal their taxable product sales. In this research we try to compare the tax revenues of the government in these two situations. To do this, in a stochastic process with 12,000 different modes of finished cost structure of firms, the current situation of the government's tax revenues is compared to situation where the corporate tax is eliminated. The empirical results show that, in Iran, the total tax revenues of the government will increase if corporate taxes are eliminated.

Keywords: Tax revenue, Corporate tax, VAT, Tax evasion.

JEL Classification : H26, C15, L25.

1- Assistant Professor of Economics, University of Mazandaran
Email: m.motameni@umz.ac.ir

2- Professor of Economics, University of Mazandaran

3- MA Student of Economics, University of Mazandaran